

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی از منظر شهید سید محمد باقر صدر

علی سرلک^۱
سید مهدی موسوی^۲

چکیده

هدف: هدف این نوشتار بررسی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی از منظر آیه الله شهید سید محمد باقر صدر و تبیین روش، مبانی و اهداف تعلیم و تربیت اسلامی بوده است. **روش:** روش تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی است. **یافته‌ها:** به اعتقاد شهید صدر، اسلام دارای نظام تربیتی مستقلی است که در راستای سعادت بشر از طریق هدایت و پرورش استعداد افراد و به کارگیری آنها در جهت خدمت به انسان است. ایشان با روش مبتنی بر اجتهاد در استنباط نظام تربیتی اسلام، مبانی هستی‌شناسی تربیت را «نگرش و جهان بینی توحیدی» و «ربانی بودن نظام هستی» معرفی می‌کند که براساس آن جهان، هدف دار و با معنا است و براساس قوانین و سنت های الهی است. براساس نظریه «خلافت الانسان» انسان بر سرنوشت خود براساس عقل و اختیار حاکمیت دارد و با فکر و اراده محتوای باطنی خود را می‌سازد. آنچه محتوای باطنی انسان مسلمان را شکل می‌دهد «توحید»، همان ایده آل الهی نامحدود و مطلق است که تربیت و پیشرفت مسئولیت آفرین را برای انسان به همراه دارد. **نتیجه‌گیری:** از این تحقیق روشن می‌شود که، شهید صدر به لایه های عمیق و گسترده‌ای از تربیت اسلامی توجه کرده است و با توجه به منابع دینی راه و روش کشف و استنتاج نظام تربیت اسلامی را بیان کرده است.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، روش اجتهاد، محتوای درونی انسان، ایده آل مطلق، توحید، سنت های الهی، سید محمد باقر صدر.

دریافت مقاله: ۹۲/۰۶/۱۶؛ تصویب نهایی: ۹۳/۰۲/۱۳.

۱. دانش آموخته ی درس خارج حوزه ی علمیه؛ مربی و هیات علمی دانشگاه هنر تهران (نویسنده مسئول) / آدرس: تهران، خیابان حافظ، خیابان سرهنگ سخایی، دانشگاه هنر، گروه معارف / نامبر: ۰۲۱۶۶۷۲۷۹۴۷ /
Email: alisarlak008@yahoo.com
۲. پژوهشگر و دانش آموخته درس خارج حوزه علمیه قم.

الف) مقدمه

آیه‌الله شهید سید محمدباقر صدر (۱۴۰۰-۱۳۵۳ ق)، متفکری بصیر و اسلام‌شناسی آگاه بود که به زوایای مختلف مطالعات دینی اشراف و توجه داشت. وی با درک اوضاع زمان و توجه به نیازهای روز انسان معاصر، به ضرورت استخراج نظامهای فکری مورد نیاز از نصوص دینی و خردورزی آزاد اندیشانه برای اصلاح فرد و جامعه پی برد و با درکی زنده و پویا از اجتهاد و تفقه در دین، کوشش کرد روح جامع‌نگری و نو اندیشی را در فهم درست از معارف اسلامی بدمد و سطح موجود اجتهاد دینی را ارتقا دهد تا موجب پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی شود. او بر این اعتقاد بود که تنها مکتب اسلام می‌تواند انسان امروز و دنیای معاصر را از تمام انواع عبودیت‌های فکری، اجتماعی و مادی آزاد کند. لذا سعی کرد به عناصر فکری و معرفتی که در لابه‌لای منابع شریعت پراکنده بود، سازواره‌ای دقیق و منطقی و زایا ببخشد و آنها را در قالب مکتب ارائه دهد که بتواند بر مکتبهای فلسفی، اقتصادی و اجتماعی دنیا برتری داشته باشد. (ر.ک. به: هاشمی، ۱۳۷۹)

یکی از جوانب سیره و آثار شهید صدر، توجه به مقولهٔ تعلیم و تربیت است. توجه شهید صدر به تربیت طلاب جوان و تأکید بر تعلیم و تربیت شاگردان و سعی بلیغ در نگارش آثار تعلیمی و آموزشی در علوم مختلف اسلامی در همین راستاست. در اندیشهٔ دینی و سیاسی او، تربیت نقش مهم و محوری دارد؛ به نحوی که هدف قرآن کریم را تربیت و هدایت انسان؛ شریعت را برنامهٔ تربیت و سعادت بشر و مأموریت حکومت دینی را پرورش استعداد‌های افراد و به کارگیری آنها در جهت خدمت به انسان می‌داند.

از دو دیدگاه مقولهٔ تربیت را می‌توان از منظر شهید صدر بررسی کرد. یک رویکرد، بررسی «فقه تربیتی» از منظر ایشان است؛ به این معنی که رفتارهای تربیتی مکلف را با رویکرد فقهی از آثار فقهی ایشان استخراج و ارائه کرد یا تعاملات مختلف میان فقه و تربیت را بررسی نمود. رویکرد دوم، تبیین مبانی و اهداف تعلیم و تربیت است که از دایرهٔ فقه خارج است و در علوم حقیقی مثل فلسفه و کلام جای می‌گیرد (ر.ک. به: اعرافی، ۱۳۸۷: ۸۵-۵۷). آنچه در این نوشتار مقصود است، رویکرد دوم؛ یعنی تبیین مبانی و اهداف تعلیم و تربیت در قالب فلسفهٔ تعلیم و تربیت اسلامی است. البته به جهت مجال ضیق بحث، از تبیین برخی محورهای فلسفهٔ تربیت اسلامی همچون: مباحث «ارزش‌شناسی» و «اصول تربیت» از منظر شهید صدر نیز درمی‌گذریم.

در این مقاله پس از تبیین ماهیت فلسفهٔ تعلیم و تربیت با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، به ظرفیت و توانایی آموزه‌های اسلامی در شکل‌گیری فلسفهٔ تعلیم و تربیت از منظر شهید صدر پرداخته می‌شود و بعد از آن به نقش قرآن کریم در ارائهٔ مبانی و برنامهٔ تربیت، روش‌شناسی شهید صدر، مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و اهداف تربیت پرداخته خواهد شد.

ب) چیستی فلسفه تعلیم و تربیت

مهم‌ترین مسئله در هر نظام آموزشی و تربیتی، انتخاب ارزشها، اهداف و در نهایت، اصولی کاربردی در قالب یک فلسفه منسجم است که انسان مطالبه‌گر نظام مطلوب، از روی همان الگو حرکت می‌کند. به همین دلیل، هر نظام آموزش و پرورش بر اساس مبانی و اصول خاصی شکل می‌گیرد. پیوستگی میان مفروضات فلسفی و آرای تربیتی و مقولات ارزشی و دلالت‌های تربیتی آنها، رشته «فلسفه تعلیم و تربیت» را با اهمیت می‌کند. در باره مفهوم فلسفه تعلیم و تربیت، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد که پرداختن به همه آنها هدف این مقاله نیست.

ویلیام فرانکنا با تقسیم‌بندی فعالیت‌های فلسفی در سه بخش فلسفه نظری،^۱ فلسفه هنجاری^۲ و فلسفه تحلیلی،^۳ از سه نوع فلسفه تعلیم و تربیت نظری، هنجاری و تحلیلی سخن به میان می‌آورد (بهشتی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). ولی به‌طور خلاصه، فلسفه تعلیم و تربیت به لحاظ معرفت‌شناختی، یکی از علوم فلسفی یا فلسفه‌های مضاف است که با روش عقلانی به تبیین و اثبات مبادی تصویری و تصدیقی تعلیم و تربیت می‌پردازد. فیلسوف تعلیم و تربیت، با کوشش فکری منظم، منطقی و قاعده‌مند برای کشف و استنتاج دیدگاه‌های تربیتی در سه حوزه اهداف، برنامه‌ها و روش‌های تربیتی، از اندیشه‌های فلسفی آنها در سه قلمرو معرفت‌شناسی، وجودشناسی و ارزش‌شناسی به فعالیت فلسفی می‌پردازد (همان). بنابر این، اگر فلسفه تعلیم و تربیت به‌طور مناسب درک شود، بنیانی را فراهم می‌کند که بر اساس آن داوری‌های نظری درباره آموزش و پرورش، از اعتبار و اقدامات عملی و استحکام و انعطاف بیشتری در رسیدن به اهداف برخوردار باشند که در نهایت، موجب جلوگیری از تناقضها و سردرگمی‌های تربیتی می‌شود. (گریز، ۱۳۸۳: ۵۱)

بر این اساس، مسائل فلسفه تعلیم و تربیت حول سه محور ذیل بیان می‌شود:

۱. مبانی تعلیم و تربیت

مبانی تعلیم و تربیت بر سلسله‌ای از معارف نظری دلالت دارد که به جنبه‌های وجودشناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی نظر دارد (رهنمای، ۱۳۸۷: ۶۸) و بنیان و اساس هر نظام فکری را مشخص می‌کند. در واقع؛ این بینشها و نگرشهاست که مبانی تعلیم و تربیت هر نظامی را تشکیل می‌دهد. هر چند آگاهانه مورد توجه واقع نشود یا مورد تصریح قرار نگیرد. (مصباح یزدی، بی‌تا)

1. *Speculative Philosophy*

2. *Normative Philosophy*

3. *Analytical Philosophy*

۲. اهداف تعلیم و تربیت

اهداف تعلیم و تربیت، مقاصد و غایاتی است که مترقی باید به آنها نایل شود. از این رو، تعیین هدفهای آموزش و پرورش، از مسائل مهم فلسفه تعلیم و تربیت است و فیلسوفان تربیتی هر یک بر اساس شناخت خاص خود از انسان و نیازهای او به بیان اهداف و غایت تعلیم و تربیت پرداخته‌اند. (شکوهی، ۱۳۸۵: ۱۱۶)

۳. اصول تعلیم و تربیت

تربیت به عنوان فرایندی که نتیجه آن در مقام عمل روشن می‌شود، دارای وجه‌های کاملاً عملی و کاربردی است. از این جهت، هر گونه تلاش نظری در چارچوب مفهومی باید ناظر به فواید عملی باشد. در این میان، نقش مبدل‌های نظری به عملی و انتقال‌دهنده‌ها روشن می‌شود. تبلور مفهوم مبدل در ماهیت اصل تربیتی، به عنوان آخرین مرحله نظر و سرآغاز نخستین مرحله عمل تربیتی، مهم‌ترین نقشی است که ضرورت وجود اصول را در نظام تربیتی تبیین می‌کند. (همان: ۱۴۲)

در ادامه، دیدگاه شهید صدر نسبت به برخی از مباحث فلسفه تعلیم و تربیت بررسی خواهد شد.

ج) توجه اسلام به تعلیم و تربیت

اعتقادات و ارزشهای موجود در هر جامعه‌ای، در سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های آموزشی و تربیتی تأثیرگذارند و نحوه عمل برنامه‌ریزان و مربیان را تعیین می‌کنند. از این رو، در میان نگرشهای مختلف فلسفه تعلیم و تربیت در جهان (ر.ک. به: گریز، ۱۳۸۳؛ نلر، ۱۳۸۵؛ ۱۶؛ بهشتی، ۱۳۸۶؛ ۲۳؛ رهنمایی، ۱۳۸۷)، شکل‌گیری «فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی» امری ضروری و حیاتی است تا به عنوان یکی از علوم فلسفی یا فلسفه‌های مضاف، با روش تعقلی و استدلالی، به تحلیل و تبیین مبانی فلسفی تعلیم و تربیت اسلامی و استخراج دلالت‌های تربیتی معرفت‌شناسی، وجودشناسی و ارزش‌شناسی معارف اسلامی بپردازد.

سید محمدباقر صدر معتقد است، این ظرفیت و توانایی تنها در آموزه‌های اسلامی وجود دارد؛ زیرا اسلام به عنوان یک مکتب جامع، ناگزیر است در برابر میدان‌داری مکتبها، سخن خود را بگوید. از این جهت باید سخن اسلام ژرف، استوار، صریح، روشن و کامل باشد و موضوع انسان و زندگی و اجتماع و حکومت را فرا بگیرد، تا در این میدان‌داری، مسلمانان توان یابند سخن خدا را به مردمان برسانند. (صدر، ۱۴۲۶: ۶) به نظر وی، دین یک سنت الهی و جاودانه برای انسان و جامعه و یک عنصر مقوم حیات بشری است، نه یک عنصر عارضی و تحمیلی که بتوان آن را کنار نهاد یا نادیده گرفت. (صدر، ۱۴۲۸)

شهید صدر با نقد رویکرد پوزیتیویستی و ماتریالیستی، در خصوص نقش علم در حل معضلات تربیتی، اجتماعی و اقتصادی انسان معاصر، معتقد است که تنها دین اسلام می‌تواند به عنوان یک مکتب

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی از منظر شهید سید محمد باقر صدر ❖ ۱۹۹

راهگشا و مفید برای عمل و زندگی، در جامعه امروز حضوری فعال، پویا و تعیین کننده داشته باشد (صدر، ۱۳۵۰، ج ۱: ۴۰۱-۳۹۲)؛ انسان را از تمام انواع عبودیت‌های فکری، اجتماعی و مادی آزاد کند (صدر، بی‌تا: ج: ۱۱۲) و جامعه اسلامی را با همه نیازها و خواسته‌های موجودش پذیرا شود و آن را رهبری کند. (صدر، ۱۴۲۹: ۴۳)

از نظر صدر، قرآن کتاب هدایت و تربیت انسان و راه ایجاد تغییر مطلوب در انسان و مصداق تام این آیه است: «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره: ۲۵۷). وی نسبت به رسالت تربیتی قرآن کریم معتقد است: «همانا قرآن کریم کتابی شبیه سایر کتابها برای تعلیم و بحث علمی تألیف نشده است؛ بلکه آن برنامه تغییر کامل عقل، روح و اراده انسان و ساخت جامعه و بنای تمدن انسانی است» (صدر، ۱۴۲۸: ۲۲۴). ایشان در تعبیر دیگری نوشته است: «قرآن کریم برای هدایت مردم و تنویر افکار و تربیت ارواح و عقول ایشان نازل شد» (همان: ۲۲۷ و ۲۹۶). در همین راستا، رسالت پیامبر اکرم (ص) در تاریخ جوامع و نهضت‌های جهان از ویژگی‌های بی‌مانندی برخوردار است و در بر گیرنده تمام ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان است؛ از این رو، می‌تواند موازنه‌ای بین خواسته‌های گوناگون انسان برقرار سازد و گذشت زمان، نه تنها قرآن را بی‌اعتبار نمی‌کند، بلکه ابعاد گوناگون آن را فاش می‌سازد.

رسالت اسلام، قابل تحقق در زندگی مردم است و تنها به ساختن امت اسلامی بسنده نکرده، بلکه درصدد ساختن نیروی پرتکاپو از مسلمانان است که جهان را بسازند (صدر، بی‌تا: ج: ۸۱-۷۷). از این رو، اسلام دارای مکتب خاص تربیتی است که بر پایه‌های فلسفی و جهان‌بینی توحیدی و الهی شکل گرفته است. اساس و مبنای خویش را تعلیم و تربیت انسان برای نیل به کمال قرار داده است. وی در مقدمه کتاب «اقتصادنا»، ضمن تأکید بر جامع بودن اسلام و بایستگی پرداختن به بُعد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حکومتی فقه، هدف نهایی تمام معارف اسلامی و اجتهاد را ترسیم روشی ویژه در تربیت و تفکر اسلامی می‌داند و می‌نویسد: «تا در پایان دور، تصویری روشن و کامل از اسلام به دست آید؛ به گونه‌ای که عقیده‌ای زنده و پویا و نظامی کامل برای زندگی و روشی ویژه در تربیت و تفکر اسلامی ترسیم گردد» (صدر، ۱۳۵۰).

بنابر این، از منظر شهید صدر، اسلام ظرفیت پاسخگویی به نیازهای انسان را در تمام حوزه‌های فکری و رفتاری دارد و نسبت به تعلیم و تربیت، دارای مبانی و اهداف خاص و برنامه عملی مستقل است. (صدر، ۱۴۲۸: ۳۴۳)

د) روش‌شناسی استنتاج نظام تربیتی اسلام

روش شهید صدر در بیان نظام‌های فکری اسلام، بر اجتهاد روشمند دینی استوار است که سابقه هزار ساله در حوزه‌های علمیه شیعه دارد. ایشان اجتهاد را تنها روش در مسائل فقهی نمی‌داند و معتقد است اجتهاد و تلاش قانونمند فهم دین، برای نوفهمی و بازفهمی «نظام عقیدتی اسلام» نیز باید به کار گرفته شود.

شهید صدر معتقد است سرمایه‌های فکری بسیاری در متون و نصوص دینی وجود دارد، ولی این سرمایه‌ها تا در قالبها و سیستم‌های معین و مشخص فهم و کشف نشوند، نمی‌توانند راهبری و راهگشایی داشته باشند؛ چرا که با مفاهیم کلی و تفسیر نشده دین، نمی‌توان در جامعه امروز بشری نقش تأثیرگذار داشت و دگرگونی‌ها را رهبری کرد. به عقیده شهید صدر، حرکت اجتهاد، حرکتی است که می‌خواهد اسلام را به صورت یک کل و مجموعه عرضه بدارد و رسالت آن، توجیه مردم است به ضرورت تطبیق خود در همه عرصه‌های زندگی خویش بر اسلام. از این رو، اجتهاد با وسعت بخشیدن به هدف خود و تعمیق رسالتش و روی آوردن به همه جویانگانه‌های زندگی مسلمانان و آرزوها و دردهای ایشان، محکم‌ترین روش در پاسخ به نیازهای بشریت است. (صدر، ۱۳۷۴)

شهید صدر درباره هدف اجتهاد و خط اصلی که فلسفه وجودی اجتهاد را تشکیل می‌دهد می‌نویسد: «... ایجاد توانایی برای مسلمانان تا خود را با نظریه اسلام درباره زندگی منطبق گردانند؛ زیرا این انطباق نمی‌تواند تحقق یابد، مگر حرکت اجتهاد، نشانه‌های راهنمای این نظریه و جزئیات آن را مشخص کند.» (نقل از: مجله حوزه، ۱۳۷۶، ش ۸۰-۷۹)

راه پیشنهادی ایشان، شیوه‌ای است که آن را «فهم موضوعی» یا «اکتشاف مکتب» می‌نامد (مخلص، ۱۳۷۶: ۱۵۰-۱۴۷). به باور وی، نصوص دینی وقتی به صورت تجزیه‌ای بررسی و فهم می‌شوند، مفسر بدون هیچ گونه طرح یا نقشه پیشین، می‌کوشد مدلول و معنای نص را در پرتو معانی الفاظ و به کمک نشانه‌ها به دست آورد و سرانجام به اجتهادهایی پراکنده و حتی گاه ناهمگون دست می‌یابد. به جای این، باید شیوه «فهم موضوعی» را برگزید تا در پرتو آن به نظریه‌ای کامل و منسجم و اجتهادی که یک وحدت را می‌نماید و فلسفه واحد معینی را در یک موضوع روشن می‌کند، دست یافت. ^۱ با توجه به سخنان ایشان، می‌توان گفت فهم موضوعی دین وقتی صورت می‌گیرد که یکی از موضوعهای زندگی یا اعتقادی یا اجتماعی را برگزینیم و بخواهیم دیدگاه اسلام و نظر نصوص دینی را درباره آن استنباط کنیم. بنابر این، اکتشاف نظریه‌ها و مسلکهای فکری دین، نیازمند دو گام اساسی هستند:

۱. فهم تجزیه‌ای نصوص و استنباط احکام به روش اجتهاد دینی؛ در این مرحله، عناصر و مفردات نخستین یک نظریه، با دقتها و موشکافی‌های کارشناسانه از نصوص استخراج و جمع‌آوری می‌شوند.

۱. شهید صدر درباره این شیوه، در دو جا به شرح می‌پردازد: در «اقتصادنا» و «تفسیر موضوعی قرآن». اگر چه آنچه در این باره در منبع دوم آمده است، مربوط به فهم دیدگاههای قرآن است که در روشنگری فرقه‌های دو روش تفسیری موضوعی و تجزیه‌ای، بیان می‌کند، ولی بی‌گمان در فهم دیدگاههای دین از دیگر نصوص دینی، بی‌هیچ تفاوتی در خور پیروی است، چنانکه در منبع نخست، برای دستیابی به مکتب اقتصادی اسلام، به همین شیوه، به فهم و تفسیر روایات پرداخته‌اند. (رک: صدر، بی‌تا/الف: ۵۷-۱۵؛ صدر، ۱۳۸۱: ۴۶-۱۹)

۲۰۱ ◆ فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی از منظر شهید سید محمد باقر صدر

۲. در این مرحله میان مفردات و مدلولهای جداگانه نصوص، وحدت و پیوند نظری ایجاد می‌شود و به هر یک از آنها به این عنوان که جزیی از کل است و بخشی از نظریه را تفسیر می‌کند، نگریسته می‌شود و سرانجام برای دستیابی به یک تفسیر کلی و نظام‌مند، با یکدیگر ترکیب می‌شوند.

عالم دینی وقتی با این هدف‌گیری نصوص دینی را بررسی می‌کند، دیگر شنونده‌ای جامد و گزارشگری بی‌نقش نیست، بلکه برای طرح مسئله در برابر قرآن و سنت، به عنوان موضوعی که با اندیشه‌ها و مطالعات گسترده بشری سروکار دارد، گفتگوی خود را با متن نص آغاز می‌کند. او می‌پرسد و نص پاسخ می‌دهد.

ایشان این باور را دارد که از این راه می‌توان در برابر تجربه‌های زمینی، در هر موضوع، نظر دین و موقعیت آسمانی را دانست و چون در این روش، واقعیتها و زندگی بر دین عرضه می‌شود و فهم دین با واقعیت انسان به هم می‌پیوندد، تفسیرهای دینی تکامل و رشد می‌یابند و سرانجام به کمک نتیجه‌ها و رهیافت‌هایی که از این فرایند اجتهادی و اکتشافی به دست می‌آید، می‌توان زندگی را بر پایه نظریه‌های دینی رهبری کرد (صدر، ۱۴۲۸: ۳۵؛ ۱۳۸۱: ۳۲). ویژگی این روش، واقع‌گرایی و نگرش مجموعه‌ای، فراگیر و نظام‌مند است که هدف آن، رسیدن به نظریه اسلامی در موضوعات مختلف است. (هاشمی، ۱۳۷۹)

ه) مبانی هستی‌شناسی تربیت

به نظر صدر، اصول اساسی اسلام و نظام اجتماعی آن، بر عناصر مهمی استوار است که «عقیده» و زیربنای فکری و اعتقادی، مقوم اصلی آن است. او در تبیین عقیده می‌گوید: عقیده، آن قاعده اساسی در تفکر اسلامی است که نگرش کلی مسلمانان را نسبت به جهان مشخص می‌سازد (صدر، ۱۳۵۰: ۳۷۲). به نظر شهید صدر، اختلاف و فرق اساسی مکتب اسلام با نظریات مکاتب دیگر در بررسی مسائل، از آنجا ریشه می‌گیرد که هدفهای متعالی اسلام برای زندگی انسان و راههایی که برای پیاده کردن آنها در جامعه پیش‌بینی کرده، می‌خواهد مبانی اخلاقی‌اش را از هدفهایی بگیرد که با هدفهای محدود جوامع سرمایه‌داری و به طور کلی جوامع مادی فرق دارد (صدر، ۱۴۲۸: ۳۳۸-۳۳۷). او می‌نویسد: «اسلام می‌خواهد انسان خود را یک انسان اسلامی بسازد. از این رو، تربیت این انسان را خود متکفل شده است و قبل از هر چیز می‌خواهد محتوای روانی او را طبق مفهوم اسلامی پروراند، ولی سرمایه‌داری به این وظیفه سنگین توجه نمی‌کند و تنها به روابط بین مردم می‌پردازد تا به نتایج و منافع اجتماعی‌اش برسد و دیگر کاری به انگیزه‌های فکری و سرمایه‌های روحی‌اش که در پشت این منافع مخفی شده و در آنها اثر می‌گذارد، ندارد.» (همان: ۳۳۹)

مبنا و محور بنیادین هستی‌شناسانه نظریه تربیتی شهید صدر را «نگرش و جهان‌بینی توحیدی» و «ربانی بودن نظام هستی» شکل می‌دهد (صدر، ۱۳۵۰: ۳۷۲). به اعتقاد صدر، حاکمیت مطلق از آن خداوند است. مقصود از حاکمیت مطلق، این است که: انسان آزاد است و هیچ کس و هیچ طبقه و هیچ گروهی بر وی سروری

۲۰۲ ❖ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۵۹

ندارد و سیادت و آقایی ویژه خداوند است (صدر، ۱۴۲۹: ۱۸) و تحت ربوبیت حضرت حق، جهان عبث و بیهوده نیست (مؤمن: ۱۱۵). بنابر این، جهان، هدفدار و با معناست و بر اساس قوانین و سنتهایی اداره می‌شود که شهید صدر از آنها با عنوان «سنن الهی» یاد می‌کند. از این رو، وجود سنتهای الهی حاکم بر جهان هستی از اصول بنیادین در هستی‌شناسی صدر است. (جمشیدی، ۱۳۷۸)

شهید صدر با استناد به آیات قرآن کریم، معتقد است سنت‌های حاکم بر جهان سه ویژگی دارند که هر یک دلالت‌های تربیتی خاص خود را برای انسان دارد. آن سه ویژگی و دلالت‌های آنها عبارتند از (صدر، ۱۳۸۱: ۹۶-۸۳):

۱. عمومی و ثابت و تغییرناپذیرند؛ کلیت داشتن و عمومی بودن سنتهای تاریخ، موجب هوشیاری و آگاهی علمی انسان می‌شود و انسان در مواجهه با حوادث، با چارچوب علمی برخورد می‌کند؛ یعنی در انسانهای مسلمان، احساسی را بر می‌انگیزاند تا حوادث تاریخی را پیگیری کرده، با بصیرت و آگاهی آنها را تبیین کنند و بپذیرند و کورکورانه و اجباری تسلیم آنها نشوند. (همان: ۸۵-۸۳)

۲. خدایی‌اند؛ یعنی قاعده الهی‌اند؛ به اعتقاد شهید صدر، پافشاری قرآن روی الهی بودن این سنتها این نیست که بخواهد خصوصیت آن را جایگزین روابط علل و اسباب و قوانین حوادث سازد، بلکه می‌خواهد رابطه میان علم و ایمان را در تربیت اسلامی محکم ساخته، بیش توحیدی را به انسان بیاموزد تا انسان بتواند خدا را دریابد و احساس کند. (همان: ۸۵ و ۹۰)

۳. مطابق آزادی اراده و اختیار انسانند؛ این ویژگی که به نقش اساسی انسان در ساختن جهان و تاریخ تأکید دارد، در ادامه مباحث مبانی انسان‌شناسی، دلالت‌های تربیتی آن به طور مفصل بیان خواهد شد.

(و) مبانی انسان‌شناسی تربیت

مخاطب تعلیم و تربیت، انسان است. لذا دقت بسیاری در پاسخ به این سؤالات می‌طلبد که انسان کیست؟ و چه کسی باید باشد؟ و باید بشود؟ چرا که نگرش به انسان، وجه تمایز میان نظامهای تربیتی است.

شهید صدر در نقد انسان‌شناسی مکاتب غربی معتقد است: انسان اروپایی پیوسته زمین را می‌نگرد و از آسمان غافل شده است و حتی مسیحیت نتوانست بر گرایشی که انسان اروپایی به زمین دارد، چیرگی یابد. کوششهای علم غربی در بررسی انسان در ردیف حیوانات و تفسیر انسانیت او بر بنیاد شکل گرفتن و پدید آمدن از زمین و تفسیر کامل ساختمان انسان بر بنیاد نیروهای تولید که نمایشگر زمین و امکانات موجود در آنهاست، همانند کوشش فرود آوردن خدا از آسمان به زمین است. این رویکرد موجب پیدایش مکتبهای همچون «اصالت لذت» و «اصالت منفعت» در اندیشه فلسفی- اخلاقی اروپا شده است. این «چشم دوختن به زمین» موجب افراط نسبت به مصرف نعمتهای آن انجامید و هم انواعی از استثمار انسان به وسیله انسان

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی از منظر شهید سید محمد باقر صدر ❖ ۲۰۳

دیگری را که برادر اوست پدید آورد و او را بر آن داشت که برادر خویش را قربانی کند و او را از موقعیت شریک و هم‌نوع خود، به صورت ابزار خویش درآورد. (صدر، ۱۴۲۹: ۱۹۰)

اما به عقیده صدر، انسان شرقی، با خلق و خوئی متفاوت از انسان اروپایی، به وسیله پیامهای آسمانی پرورش یافته و پیش از آنکه زمین را بنگرد، به آسمان نگاه می‌کند و پیش از آنکه در برابر مادیات و محسوسات پایبند شود و احساس مسئولیت کند، خود را در برابر جهان غیب پایبند و مسئول می‌شناسد (همان: ۱۹۱). در نگاه قرآنی شهید صدر، خداوند بر مبنای حکمت خود انسان را آفرید و او را به دلیل دارا بودن گوهر عقل و نیروی تعقل و تدبیر، کرامت و فضیلتی ذاتی و فطری بخشید. این برتری و کرامت ذاتی و تکوینی نوع انسان، حاصل وجود عقل، اندیشه، درک، تعقل و شعور در اوست. خداوند بر اساس حاکمیت مطلقه خویش و سنن تکوینی حاکم بر هستی، انسان عاقل مختار را به دلیل توانایی تشخیص و استنباط و نیروی اخذ تصمیم و اراده، بر سرنوشت خود حاکم کرده است؛ یعنی اساس خلقت انسان را نسبت به موجودات دیگر به گونه‌ای طرح‌ریزی کرده که توانایی و استعداد اداره جامعه خود را داشته باشد (جمشیدی، ۱۳۷۸). «بر اثر این خلافت است که انسان شایستگی آن را یافت که فرشتگان بر او سجده کنند و همه نیروهای ظاهری و پنهانی جهان از او پیروی نمایند». (همان: ۱۲۸)

مهم‌ترین ویژگی انسان که او را لایق رسیدن به خلیفه‌اللهی می‌کند، عقل و اختیار است؛ زیرا انسان عاقل آن توانایی و استعداد را دارد که بتواند در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرد یا در آن مداخله و مشارکت کند. تنها انسان آزاد است که می‌تواند در اداره امور جامعه خود مشارکت کند و همین آزادی انسان بود که باعث شد بتواند عرضه امانت الهی را بپذیرد. بنابر این، انسان از آن رو سزاوار خلافت می‌شود که موجودی عاقل، آزاد و صاحب اختیار است. (ر.ک: جمشیدی، ۱۳۷۸)

به اعتقاد شهید صدر، فکر و اراده دو عنصر تشکیل‌دهنده حقیقی ضمیر انسان و محتوای باطنی اویند و انسان با محتوای باطنی خود و آمیزش فکر و اراده می‌تواند هدفهای خود را تحقق بخشد (صدر، ۱۳۸۱: ۱۴۶). آنچه محتوای باطنی انسان را شکل می‌دهد، ایده‌آلها هستند. بنابر این، ایده‌آل انسان هر چه وسعت، صلاحیت و عظمت بیشتری داشته باشد، هدف او نیز صلاحیت و وسعت بیشتری دارد (همان: ۱۵۰). از این رو، تربیت محتوای باطنی با گزینش اختیاری ایده‌آل، نقش بسیار مهمی را در زندگی و شخصیت انسان ایفا می‌کند: «اسلام کار اول را که ساختمان حقیقت و محتوای باطنی است، جهاد اکبر نامیده تا بر خصوصیت اصلی بنیاد باطنی، پافشاری کرده باشد و این واقعیت را توضیح می‌دهد، تا معلوم شود اساس کار، همان محتوای باطنی انسان است.» (همان: ۱۴۸)

۲۰۴ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۵۹

به نظر شهید صدر، انسان‌ها، با توجه به ایده‌آل‌های خودشان به سه دسته تقسیم می‌شوند (صدر، ۱۳۸۱):

۱۸۴-۱۵۲؛ با استفاده از: لک‌زایی، ۱۳۷۹: ۱۷-۱۴):

دسته اول: انسان‌هایی که ایده‌آلهای خودشان را از واقعیت‌های عینی و خارجی می‌گیرند. این انسانها برای وضع موجود، آرزوی رسیدن به هیچ مقصود دیگری را ندارند و تمام همت آنها به دست آوردن غذا، مسکن و لباس است.

دسته دوم: انسان‌هایی که علاوه بر نیازهای محدود مادی، از ایده‌آل‌های معنوی بسیار محدود هم برخوردارند، ولی محدود را به جای نامحدود و مطلق می‌پندارند. در نظر صدر، نمونه این دسته، جوامع غربی است که «آزادی» را ایده‌آل نهایی خود پنداشتند. اما این هدف چون محدود بود، سبب انحطاط جوامع غربی شده است. (همان: ۱۸۳-۱۷۷)

دسته سوم: انسان‌هایی که ایده‌آل و آرمانشان «الله» است. این انسانها ضمن اینکه به ایده‌آل نوع اول و دوم توجه دارند، اما آنها را در جهت و خواست ایده‌آل مطلق و نامحدود؛ یعنی «خدا» می‌خواهند. در اندیشه صدر، توحید، ایده‌آل الهی نامحدود و مسئولیت‌آفرینی است که همه آرمانها و هدفهای انسان را یکجا و در یک ایده‌آل برتر یگانه؛ یعنی خداوند سبحان جمع می‌کند.^۷ ایده‌آل الهی همواره تغییر کمی و کیفی را به همراه دارد. تغییر کمی از آن جهت است که راه به سوی ایده‌آل مطلق «الله» باز و غیر متناهی است؛ یعنی همیشه مجال تربیت، خودسازی، تکامل و پیشرفت موجود است و پیوسته در حال مبارزه با همه گونه‌خدايان و ایده‌آلهای پست و تکراری است (همان: ۱۹۱). اما تغییر کیفی از آن لحاظ است که به انسان احساس مسئولیت عمیق و درونی بر اثر ایمان به مطلق می‌دهد و همین احساس مسئولیت است که تناقض انسان و درگیری و جدال درونی او را حل می‌کند. (همان: ۱۹۲، ۱۹۴)

ز) اهداف تعلیم و تربیت اسلامی

تعیین هدفهای تعلیم و تربیت، از مسائل مهم نظری در تبیین ابعاد تربیت است که سمت و سوی تعلیم و تربیت و سازمانها و تشکیلات آموزشی و پرورشی را مشخص می‌کند. شهید صدر معتقد است: «اسلام در نظامها و قوانین خود هدفهایی را منظور می‌دارد که با واقعیت انسانی، از نظر خوی و سرشت و انگیزه‌ها و خصایص عمومی هماهنگی دارد و کوشش می‌کند که در وضع قوانین خود به انسان دروغ نگوید و او را در جو عالی‌ای که ما فوق قدرت اوست به پرواز در نیاورد.»

بنابراین در نظام تربیتی اسلام، اهداف متناسب با واقعیت انسان و هماهنگ با خصایص عمومی و سعادت نهایی او تعبیه شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. ایجاد نگرش و گرایش توحیدی

با توجه به مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلام، شرک و عبادت اصنام و پادشاهان، مهم‌ترین مانع بر سر راه کمال و سعادت انسان است. به این دلیل، نخستین هدف از تعلیم و تربیت اسلامی، برداشتن این مانع و تربیت مسلمین بر توحید و معرفت به خداوند متعال و درک توحید است. از نگاه شهید صدر، ایجاد نگرش و گرایش توحیدی به عنوان محتوای باطنی انسان، مهم‌ترین رسالت تعلیم و تربیت اسلامی است (صدر، ۱۴۲۸: ۲۴۱-۲۳۸). ایشان تربیت توحیدی؛ یعنی قرب و نزدیکی به ایده آل مطلق «الله» (صدر، ۱۳۸۱: ۱۹۰) را مهم‌ترین عامل در ایجاد تحرک و مسئولیت‌آفرینی و عدالت و هماهنگی میان انسانها می‌داند که هیچ امر دیگری نمی‌تواند انسان را به این مرتبه از کمالات و فضایل انسانی برساند. (همان: ۱۹۴ و ۲۳۴)

۲. پرورش عقل

یکی دیگر از موانع انسان، اساطیر و خرافات است که عقل انسان را فاسد و گمراه می‌سازد. از این رو، رسالت اسلام در تربیت انسانها، مبارزه با این خرافات و پاکیزه کردن لوح عقل از آنهاست و با دعوت به تفکر اصلی و تدبیر در امور و اعتماد به عقل و پرهیز از تقلید و عدم جمود و تعصب نسبت به گذشتگان، راه تربیت عقلانی انسان را میسر می‌سازد. از منظر شهید صدر، آموزه‌های اسلام با تأکید بر عقلانیت و منطقی، شناخت و تعلیم همه افکار سابق را از منظر عقل و منطقی موجه می‌داند. (صدر، ۱۴۲۸: ۲۴۴-۲۴۲)

۳. آزادی از قید شهوات

از منظر شهید صدر، انسان موجودی دو بعدی است که بعدی او را به سوی زمین می‌کشاند و به شهوات و امیال مادی دعوت می‌کند و در نهایت، به پستی و انحطاط می‌کشاند و بعدی که بارقه روح الهی است و میل به آسمان و کمالات انسانی دارد. این تناقض و کشمکش درونی، همواره انسان را به خود مشغول داشته است (صدر، ۱۳۸۱: ۱۹۴ و ۲۱۲). به همین جهت یکی از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی، باید توانا ساختن انسان برای مقاومت در برابر شهوات و کنترل هواها و غرایز باشد تا اندیشه و اراده آدمی از قید و بندهای مادی و شهوانی آزاد شود و از مقام حیوانی به مقام انسانی و توحیدی عروج یابد. (صدر، ۱۴۲۸: ۲۴۶-۲۴۴)

۴. ایجاد شخصیت اسلامی

شهید صدر عامل عظمت و تعالی اسلام و مسلمین را در جهان معاصر در ایجاد شخصیت اسلامی می‌داند تا امواج مختلف فکری مسلمین به یک موج فکری همگانی و یک چهره واحد همسان و بی‌نظیر تبدیل شود (صدر، ۱۴۲۹: ۱۸۰). او مشکل امروز جهان اسلام را در نبود شخصیت اسلامی و عدم پرورش اراده آن و آزاد شدن استعدادهای درونی آنها می‌داند (صدر، بی‌تا: ۱۲۲-۱۲۱). به نظر صدر، شخصیت اسلامی بر ویژگی‌هایی همچون: برپا داشتن دادگری و درستی و هموار کردن سختی‌ها بر خویش - برای یک

۲۰۶ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۵۹

سازندگی شایسته- استوار است که از آگاهی انسان به مسئولیت خویش و از احساس وظیفه سرچشمه می‌گیرد (صدر، ۱۴۲۹: ۱۷۰). از این رو، مهم‌ترین وظیفه رهبران و مربیان اسلامی، تربیت مسلمانان برای دستیابی به شخصیت اسلامی است. (صدر، بی‌تا/ج: ۱۲۲)

۵. ایجاد ضمانت درونی

به نظر شهید صدر، اسلام در ارائه نظام‌های فکری خود فقط به پند و راهنمایی اکتفا نمی‌کند، بلکه برای آنکه برنامه‌ها جامه عمل بپوشند، در صدد ایجاد ضمانت اجرایی در درون افراد است. ایجاد این ضمانت، به عامل روحی و ذاتی انسان وابسته است. لذا اسلام به سازندگی روحی و فکری انسان اصرار و توجه دارد (صدر، ۱۳۵۰: ۳۶۸-۳۶۶). بنابر این، یکی از اهداف عمده و مهم تعلیم و تربیت اسلامی، ایجاد ضمانت درونی در انسان است تا او نقش مثبت و مؤثری را در اجتماع ایفا کند. (همان: ۳۷۵؛ ۱۳۸۱: ۲۱۴)

نتیجه‌گیری

چنانچه در این نوشتار روشن شد آیه‌الله شهید سید محمدباقر صدر نگرشی نظام مند به آموزه‌های دین اسلام دارد و اجتهاد دینی را روش کشف و استنتاج نظام‌های فکری و عملی اسلام می‌داند که از جمله این نظامها، نظام تربیتی اسلام است که می‌بایست مبتنی بر فهم موضوعی، استنتاج متن و استنباط فعال و زنده است. در نگرش صدر هدف قرآن کریم و رسالت دین اسلام تربیت و هدایت انسان است و شریعت اسلام نیز برنامه تربیت و سعادت بشر می‌باشد. و وظیفه اصلی حکومت اسلامی را پرورش استعدادهاى افراد و به کارگیری آنها در جهت خدمت به انسان معرفی می‌کند. از این رو ظرفیت و توانایی شکل‌گیری فلسفه تعلیم و تربیت در آموزه‌های اسلامی وجود دارد. مبانی هستی‌شناسی تربیت از منظر صدر «نگرش و جهان بینی توحیدی» و «ربانی بودن نظام هستی» است. و جهان را هدف دار و با معنا می‌داند که اداره آن بر اساس قوانین و سنتهای الهی صورت می‌پذیرد. وی با نقد انسان‌شناسی مکاتب غربی به نظریه «خلاف انسان» و حاکمیت انسان بر سرنوشت خود به تبیین نقش عقل و اختیار می‌پردازد. انسان با محتوای باطنی خود که متشکل از فکر و اراده است، شخصیت و رفتار خود را سامان می‌بخشد و آنچه محتوای باطنی انسان را شکل می‌دهد ایده آل‌ها هستند. او معتقد است انسان‌ها، با توجه به ایده آل‌های خودشان به سه دسته تقسیم می‌شوند. اما این هدف برتر و ایده آل مطلق است که پیوسته می‌تواند مردم را به حرکت درآورد و نیرو ببخشد، توحید، همان ایده آل الهی نامحدود و مطلق است که پیشرفت مسئولیت آفرین را برای انسان به همراه دارد.

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی از منظر شهید سید محمد باقر صدر ❖ ۲۰۷

از منظر صدر، اهداف تعلیم و تربیت اسلامی که منشعب از مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلام است عبارتند از: ۱. ایجاد نگرش و گرایش توحیدی؛ ۲. پرورش عقل؛ ۳. آزادی از قید شهوات؛ ۴. ایجاد شخصیت اسلامی؛ ۵. ایجاد ضمانت درونی.

از نتایج این تحقیق روشن می‌شود که، اندیشه و آثار شهید صدر از ظرفیت بسیار زیادی برای استخراج فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی برخوردار است. اندیشه‌ای که علاوه بر توجه به علوم اسلامی، به منابع دینی (وحی و سنت و عقل) توجه دارد و از همین منظر، راه و روش کشف و استنتاج نظام تربیتی را از منابع دینی بیان می‌کند. در این رویکرد، وحی، شهود، عقل هر کدام از جایگاه خاصی برخوردارند. در این اندیشه، توجه ویژه‌ای به ارتباط میان سنت‌های الهی جامعه و قواعد تاریخ با مسئله هدایت و تربیت انسان مطرح شده است که در نوع خود ابتکاری و قابل پیگیری است. بنابر این، در این دوران که نیاز به تولید فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی فزونی یافته و اندیشمندان مختلف در پی ایجاد یک فلسفه تربیتی صحیح در پرتو آموزه‌های دینی‌اند، اندیشه‌ها و آثار شهید آیه‌الله صدر می‌تواند الگوی مناسبی برای استنتاج فلسفه و نظام تربیتی اسلام باشد.



منابع

- اعرافی، علی‌رضا (۱۳۸۷). فقه تربیتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهشتی، سعید (۱۳۸۶). زمینه‌ای برای بازشناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب. تهران: اطلاعات
- بهشتی، سعید (۱۳۸۵). «فلسفه تعلیم و تربیت در جهان امروز»، قیسات، ش ۴۰-۳۹: ۱۲۴-۱۰۹.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۸). «نظریه خلافت عمومی انسان در اندیشه سیاسی سید محمدباقر صدر». فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۱۱: ۱۸۱-۱۵۱.
- رهنمایی، سید احمد (۱۳۸۷). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۵). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: به‌نشر.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۰). اقتصاد ما، ج ۱. ترجمه محمد کاظم موسوی. تهران: اسلامی.
- صدر، سید محمدباقر (بی‌تا/الف). اقتصاد ما، ج ۲. ترجمه ع. اسپهبدی. تهران: اسلامی.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۹ ق). الاسلام يقود الحياه (تراث الشهيد الصدر، ج ۵). قم: مرکز الابحاث و الدراسات للشهيد الصدر.
- صدر، سید محمدباقر (بی‌تا/ب). الفتاوى الواضحه (المجموعه الكامله لمؤلفات السيد محمدباقر الصدر، ج ۹). [بی‌جا]: دارالتعارف للمطبوعات.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۸ ق). المدرسه القرآنيه (تراث الشهيد الصدر، ج ۱۹). قم: مرکز الابحاث و الدراسات للشهيد الصدر.
- صدر، سید محمدباقر (بی‌تا/ج). رسالت ما. ترجمه محمد تقی رهبر. تهران: روزبه.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۷۴). «روند آینده اجتهاد». فصلنامه فقه اهل بیت (ع)، ش ۱: ۴۲-۳۳.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۱). سندهای تاریخ در قرآن (تفسیر موضوعی). ترجمه سید جمال‌الدین موسوی اصفهانی. تهران: تفاهم.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۶ ق). فلسفتنا. تهران: موسسه الصادق للطباعه و النشر.
- صدر، سید محمدباقر (بی‌تا/د). کلیاتی پیرامون عبادات اسلامی. ترجمه جمال موسوی. [بی‌جا]، [بی‌نا].
- گریز، آرنولد (۱۳۸۳). فلسفه تربیتی شما چیست؟ ترجمه بختیار شعبانی ورکی و دیگران. مشهد: به‌نشر.
- لک‌زایی، نجف (۱۳۷۹). «پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) و شیوه گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی (به سوی یک نظریه توسعه)». فصلنامه تاریخ اسلام، سال اول، ش ۱: ۴۰-۶.
- مخلصی، عباس (۱۳۷۶). «نگاهی به تلاش‌های احیاگران شهید صدر». فصلنامه حوزه، ش ۸۰-۷۹: ۱۵۳-۱۲۰.
- مصباح یزدی، محمد تقی (بی‌تا). «مبانی و اصول تعلیم و تربیت»: www.mesbahyazdi.org.
- نلر، جی. اف. (۱۳۸۵). آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش. ترجمه فریدون بازرگان دیلمقانی. تهران: سمت.
- هاشمی، سید محمود (۱۳۷۹). «ویژگی‌های مکتب فکری و علمی شهید صدر». فصلنامه فقه اهلیت، ش ۲۴: ۲۱-۳۱.

